

آیت الله شهید دکتر بهشتی از جمله شخصیت‌هایی است که هم در جایگاه یک مجتهد و متفکر دینی ژرف‌اندیش و هم به عنوان یک دولتمرد مدبر و هوشیار در پی‌ریزی و معماری ارکان مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران نقش ویژه‌ای داشته است. نقش محوری و کم‌نظیر ایشان در مدیریت مجلس خبرگان قانون اساسی و مشارکت فعال و مؤثر در جریان مذاکرات و مباحث فکری آن مجلس به هنگام تدوین اصول قانون اساسی و طراحی ساختار نظام جمهوری اسلامی را می‌توان به وضوح در صورت مشروح مذاکرات آن مجلس ملاحظه نمود. هم‌چنین، نقش اساسی و بی‌بدیل او در متحول ساختن دستگاه قضایی کشور و انجام اصلاحات بنیادین در این دستگاه متناسب با اقتضائات فکری-اجتماعی عصر جدید به هنگام دوره کوتاه تصدی ریاست دیوان عالی کشور و یا نقش وی در تأسیس و راه‌اندازی نهادهایی چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و امثال آن بر آگاهان و معاصران او پوشیده نیست. بدیهی است ایفای چنین نقش‌هایی در مدیریت کلان کشور مستلزم مبانی فکری و اعتقادی مستحکم و اقتدار و صلابت شخصیتی ویژه‌ای است که شهید بهشتی مصداق بارز این دو بعد است و وی از این دو بعد و نیز از لحاظ قدرت بیان و نفوذ کلام، شخصیتی مثال‌زدنی در تاریخ انقلاب اسلامی است.

اما، نقش‌آفرینی شهید بهشتی در طول عمر ۵۳ ساله‌اش (۱۳۶۰-۱۳۰۷ ه. ش) محدود به این موارد نیست؛ چرا که وی در طول حیات خود نقش‌های دیگری ایفا نمود که اهمیت و تأثیر آن‌ها در جامعه نه تنها کم‌تر از موارد فوق نیست بلکه از جهاتی اساسی‌تر و حیاتی‌تر نیز بوده است. یکی از نقش‌های اساسی و ماندگار او، که تا حد زیادی کم‌رنگ و یا حتی پنهان مانده و یا تحت‌الشعاع مسئولیت‌های کلان مزبور قرار گرفته است ولی با این حال حاکی از تیزبینی و نگرشی عمیق و راهگشا برای حل مشکلات اصلی جامعه است، حضور در عرصه‌ی آموزش و پرورش بالاخص حضور در حوزه برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است. قطعاً ایفای چنین نقشی حساب‌شده و از سر‌آگاهی بوده و با قصد و هدف معین صورت

گرفته است که بازخوانی و واکاوی آن در شرایط کنونی کشور اهمیت و برجستگی جایگاه نهاد آموزش و پرورش را در توسعه و اعتلای کشور نمایان تر خواهد ساخت و باعث جلب توجه بیش تر شخصیت های علمی، مسئولان سیاسی و اجرایی و نیز افکار عمومی به این نهاد بنیادین خواهد شد.

اساساً ورود شهید بهشتی به آموزش و پرورش به اوایل دهه ۱۳۳۰ برمی گردد که با تدریس درس زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی قم آغاز و با تأسیس مدرسه دین و دانش به سبک جدید (۱۳۳۳) و تشکیل کانون اسلامی دانش آموزان (۱۳۴۱) استمرار و گسترش می یابد. بدیهی است حضور شخصیتی هم چون شهید بهشتی در آموزش و پرورش، چه در کسوت یک معلم (آن هم معلم زبان انگلیسی) و چه در جایگاه برنامه ریزی درسی و تهیه کتب تعلیمات دینی، حضوری پر معنا و قابل تأمل است؛ چرا که علی الاصول برای او فرصت ها و زمینه های متعدد دیگری چه در حوزه، چه در دانشگاه و چه در سایر عرصه ها برای فعالیت وجود داشت که شاید در نگاه اول و یا از منظر افکار عمومی مهم تر هم به نظر بیایند. اما حقیقت این است که آموزش و پرورش نهادی زیربنایی و یا به عبارتی زیربنایی ترین نهاد جامعه است و بذر هر گونه تحول و اصلاح بنیادین در جامعه می بایست در بستر این نهاد کاشته شود و کسانی چون شهید بهشتی (و شهید باهنر، شهید مفتح و دکتر گلزاده غفوری) با درایت و تیزهوشی خاص خود به درستی این حقیقت را دریافته و در حد وسع و توان خود و با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن دوران، در ایجاد تحول و اصلاح این نهاد کوشیده اند. با این همه، بعد از گذشت قریب سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، این بعد از شخصیت شهید بهشتی تا حد زیادی مغفول مانده و آن چنان که باید و شاید به لحاظ علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است.

بر این اساس، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش و بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی در شهریور ماه سال ۱۳۸۵ تصمیم گرفتند تا به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد شهادت ایشان با برگزاری همایش علمی با عنوان «شهید بهشتی و آموزش و پرورش» نقش وی در آموزش و پرورش از زوایای مختلف توسط صاحب نظران و محققان مورد بررسی،

تحلیل و نقد و بازنگری قرار گیرد تا هم از تجربه‌ها، خدمات و دستاوردهای ایشان در عرصه‌ی تعلیم و تربیت تجلیل به عمل آید و هم مجال و فرصتی باشد برای صاحب‌نظران و پژوهشگران این عرصه تا با بررسی نقادانه آن تجربه‌ها و دستاوردها برای حل مشکلات تربیت دینی نسل کنونی چاره‌اندیشی نموده و راهکار ارائه نمایند. در پی این تصمیم، اعضای کمیته علمی همایش تعیین و این کمیته پس از تشکیل جلسات پیاپی، فهرست موضوعات و محورهای همایش را در سه بعد بنیادی، تاریخی و کاربردی مشخص ساخت و آن‌گاه فهرست مزبور برای اساتید دانشگاه و محققان برجسته کشور ارسال و به هر کدام از آن‌ها براساس تخصص و سابقه‌ی پژوهشی‌شان، موضوعاتی به منظور تهیه‌ی مقاله پیشنهاد نمود. علاوه بر سفارش مقاله، فراخوان همایش در تابستان ۱۳۸۶ هم‌زمان با درج در سایت آموزش و پرورش طی بخشنامه‌ای برای سازمان‌ها و ادارات کل آموزش و پرورش سراسر کشور جهت اطلاع فرهنگیان ارسال گردید. حاصل کار این که مجموعاً حدود ۹۸ چکیده یا مقاله کامل به دبیرخانه علمی همایش واصل شد. کلیه‌ی چکیده‌ها و مقالات واصله جهت داوری به کمیته‌ی علمی ارسال و مورد داوری و ارزیابی قرار گرفت که از این تعداد ۱۵ مقاله برای چاپ در مجموعه مقالات تأیید شد و از این میان ۹ مقاله برای ارائه در همایش انتخاب گردید.

امید است این همایش گامی مفید و مؤثر در جهت تبیین اندیشه‌های تربیتی شهید بهشتی و حرکتی روشنگر در راستای تبیین مبانی و اصول تحول بنیادین در عرصه تعلیم و تربیت ایران اسلامی باشد.

کمیته علمی همایش

دوم آبان ۱۳۸۶